

جنبش کارگری در سالی که گذشت

تغییری نکرده و همچنان خملت دفاعی داشت. اما از سال ۶۳ به بعد اوضاع اقدامات و حرکات کارگری گسترش یافت. مقایسه خواستها، تعداد اعتصابات و اعتراضات و اشکال مبارزاتی کارگران در سالیهای ۶۳ و ۶۴ موبد این امر است که جنبش کارگری در سالی که گذشت گامهای موفقی به سوی برداشته است. اما در مواردی نیز مثل اقدامات اعتصابی در کارخانجات بزرگ که تا تیر و آبان برای افکار عمومی و روند جنبش بوده ای دارد، برخلاف سال ۶۳ در موضع عقب نشینی قرار داشت. مضافاً اینکه جنبش کارگری علیرغم مشهود بودن گرایش بیشتر سمت شکل پذیری، آگاهی به ضرورت حرکت سازمان یافته و عدم کارآیی حرکات خود انگیخته و خودسوخودی در سال ۶۴، از ضعف شکل و خودحوش بودن غالب اقدامات اعتراضی و اعتصابی همچون سال ۶۳ رنج برده است.

مطالبات کارگران

مطالبات کارگران در سالی که گذشت غالباً دارای مضمون صنفی و بعضاً بطور محدود سیر جنبشی بوده در صفحه ۱۵

روند تحولی که در جنبش کارگری از اواخر سال ۶۲ و اوایل سال ۶۳ شروع شد، در سال ۶۴ نیز همچنان تداوم یافت. بدلیل بحران فزاینده اقتصادی و رکود توأم با تورم در سال ۶۴، تداوم جنبش کارگری و مبارزه کارگران علیه اجافات و ددمنشی های دولت و سرمایه داران، امسجری اجتناب ناپذیر و ناگزیر بود. طی سال گذشته در مبارزه بین دوازدوی متخاصم کار و سرمایه، قطب بالنده کار در زیر سیطره یکی از نومترین رژیمهای دیکتاتور سی تاریخ معاصر ایران و برغم تمامی توطئه ها و دسیسه های گوناگون اردوی ریزوال سرمایه - از کاربرد شیوه فریب و تحمیق گرفته تا توسل به حربه زور و سلاح - ازبای سفتاد. جنبش کارگری طی سال گذشته با وجود نقاط ضعف و کاستی ها با پیشبرد روشهای مختلف مبارزه گامهایی به طو برداشت. پس از سرکوب خونین ۳۰ خرداد ۶۴، جنبش کارگری که موازات سرکوب عربان جنبش بوده ای، زیرمیزان رنج و ولایت نقیبه فرا گرفته و بنسبت سیرزولی بسموده بود، در سال ۶۳ مجدداً فصح یافت. مضمون مبارزات کارگران در سال ۶۳ در مقایسه با مضمون مبارزات آنها در سال قبل

تدارك حمله جدید

حملات والفجر ۸ و ۹ و راکه رژیم جمهوری اسلامی با هدف کسب پیروزی بزرگ و نهائی آغاز کرده بود، با عدم موفقیت روبرو گردید. علیرغم اشغال فاع و، بیثروزی رژیم جمهوری اسلامی در جنوب جبهه های جنگ متوقف نشود و نیروهای آن شدیداً تحت فشار قرار گرفتند. حمله و بیثروییهای اولیه در شمال جبهه ها، محور سلیمانیه و جوارتا، نیز شکست سختی به دنبال داشت و نیروهای رژیم - مجبور شدند حتی به پشت مواضع قبلیشان عقب - تنی کنند. این دو حمله با تلفات سنگین توأم بود و دهها هزار تن از جوانان میهنمان در این حملات به کام مرگ کشته شدند. اما جنون جنگ طلبی سران رژیم خدومرزی نمی شناسد و همچنان تحت شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" حمله دیگری در جبهه های جنگ، تدارک دیده می شود. جنبی اخبار در سخنرانی خود بر ضرورت شرکت زنان در جبهه های جنگ تاکید نموده و آنها را مکلف به این امر کرد. کارگران، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان با زور و قویست در "کاروانهای لسک با امام" روانه جبهه ها می شوند. صفحه در صفحه ۷

درگیریهای اخیر مجاهدین و سچفخا (جناح توکل)

عبارت بوده از اقدام به جلوگیری از یخ اعلاسه توسط این جناح، دست زدن به تشویب و مراقبت و شناسایی فعالین و افراد وابسته به این جناح و در مواردی تهدید و اراغاب و حتی مبارزات مسلحانه درگیری فیزیکی. رهبری مجاهدین همچنین ضمن سبیم کردن این جناح به مزدوری و وابستگی به رژیم جمهوری اسلامی، اقدام به حاب عکسسی و نقیبه در صفحه ۶

در هفته های گذشته سرخوردها و درگیریهای متعددی بین سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان حربیگانی فدائی خلق ایران (جناح توکل) در فرانسه و بارهای از کشورهای اروپائی رخ داد که در مواردی به درگیریهای فیزیکی نیز کشیده شد. این سرخوردها که در روزنامه های رژیم جمهوری اسلامی و رسانه های گروهی کشورهای خارجی سبیم عکس گردید، تا نیرات منفسی در نیروهای سیاسی ایرانی و خارجی برجای گذاشته است.

درگیریهای اخیر، با یخ اعلاسه در اور - سور - اوآز (محل اقامت مسعود رحسوی)، توسط جناح توکل آغاز گردید. اعلاسه های بخش شده به زبان فرانسه، ضمن منبم کردن مجاهدین به حاسوسی برای رژیم جمهوری اسلامی، مردم این منطقه و فرانسه را به اعتراض علیه مجاهدین و تلاش برای جلوگیری از فعالیت علنی مجاهدین در اور - سور - اوآز و سرچیده شدن مرکز فعالیتشان در این منطقه فرا خوانده نمود. بدنبال این حرکت، اقدامات و حرکتهای دیگری نیز از سوی جناح توکل به همین منظور صورت گرفت. روش سرخورد مجاهدین در این درگیریها،

نتایج اجلاس توکیو

اجلاس سران هفت کشور امیرالاستی (آمریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه، ژاپن، ایتالیا و ایتالیا) در توکیو پس از سه روز بحث و گفتگو بر امون مسائل سیاسی و اقتصادی با صدور دو بیانیه رسمی در ششم ماه مه به پایان رسید. "تروزیسم" و روش مقابله آن و چگونگی پیشبرد مبارزه "قدرتورزیستی" موضوع اولین بحث یعنی بحث سیاسی اجلاس توکیو را تشکیل میداد. امیرالاست آمریکا که بدنبال نجا و نظمی به لبی، علیرغم تلاشهای دیپلماتیک همه جانبه نتوانسته بود جزا نکلین موافقت و حمایت سایر متحدین خود را در اروپا و ژاپن جلب کند، با سه تصویب رساندن بیانیه سیاسی اجلاس و محکوم کردن لبی بعنوان پشتیبان "تروزیسم" بین الملل، موفق شد راه را برای ادا امسیاست تجا و زرگری نظامی آشکار خود سوار کند. گرچه در این بیانیه هیچ اشاره ای در محکوم کردن یا پشتیبانی از حمله بمب افکن های آمریکا نشی به دوشهر اعلاسی لبی (تریپولی و بن غازی) که طی آن صدها تن از مردم لبی به خاک و خون کشیده شد و خرابیهای فراوانی بار آورد، نشد و نیز گرچه طرح آمریکا مبنی بر محاصره اقتصادی لبی به نتیجای نرسید نقیبه در صفحه ۳

در این شماره	
۸ صفحه	اخباری از کردستان
۲ صفحه	گنگره ۲۷ و انتقاد از خود
۴ صفحه	سالگرد سرکوب خلق عرب
۹ صفحه	اردوگاه، زندان جدید زنان
۱۱ صفحه	بحران پولی جهان سرمایه داری

نگره ۲۷ و انتقاد از خود

مسائل ساختمان و تکمیل ساختمان سوسیالیسم در حوامع سوسیالیستی حیرت نسبت که صرفاً به رولیا برای نیروی مردم و احزاب کمونیست این کشورها مربوط باشد. تجربیات حاصله در راه حل این مسائل به تنهایی حکومتی رویداد نمی ساختن سوسیالیسم و قانونمندینای بی طرفت سوسیالیست که کمونیستی و جامع بی طبقه نشان داده و از این راه ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم را تکامل داده و به گنجینه طبقه کارگر جهانی غنای بخشید، بلکه همچنین حاوی درسیهای گرانبها نیست که برای پیشرفت جنبش کمونیستی در کشورهای سرمایه داری نیز حائز اهمیت بزرگی است. با این دلیل، مطالعه و ارزیابی بیرونیها و نیز بنا کارهای این احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی از وظایف مهم کل جنبش جهانی کمونیستی و از جمله جنبش کمونیستی ایران بشمار میرود.

در خارج این وظیفه، ما در دو ساله گذشته نشریه به سبب وهفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و رویدادهای درونی آن پرداخته و نتایج و دستاوردهای آن را در حوزه های سیاسی و اقتصادی - اجتماعی به اجمال مورد ارزیابی قرار دادیم. در این مقاله قصد داریم به جنبه های دیگری از مسائل تکمیل ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و منظور سبب به انتقاد دوستانه از خود حزب کمونیست اتحاد شوروی در سبب وهفتمین کنگره این حزب برداریم.

انتقاد دوستانه از خود را اصول اساسی احزاب و سازمانهای کمونیست در فعالیتهای سیاسی - ایدئولوژیک و تکنیکالی است. بکارگیری این روش از خلعت یا لایحه تاریخی طبقه کارگر و ماهیت علمی ایدئولوژی وی یعنی مارکسیسم - لنینیسم ناشی میشود. با اینست که این اصل است که نه تنها احزاب کمونیست اشتباهات و انحرافات خود را تصحیح میکنند بلکه اشکال گوناگون پدیده های انحرافی در حوامع سوسیالیستی و موانع تکامل آنان نیز نفسی میگردد. انتقاد دوستانه از خود یکی از نیروهای محرکه تکامل جامعه سوسیالیستی است.

مارکس یا تدوین نظریه انقلاب سوسیالیستی اعلام نمود که یکی از ویژگیهای انقلاب پرولتری آنست که خود را بطور دائم در معرض انتقاد قرار میدهد و این شرط پیشرفت انقلاب پرولتری بحلو است. در جامعه سوسیالیستی پیشرفت در زمینه های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی - ایدئولوژیک بدون بکارگیری شیوه انتقاد دوستانه از خود ممکن نیست.

بملاحظه اقتصادی، این درست است که در جامعه سوسیالیستی روابط تولیدی با نیازهای رشد نیروهای مولده در انطباق قرار دارد، اما این انطباق یکبار برای همیشه و یا بطور

خود بخودی حاصل نمیشود، بلکه نیازمند رهبری آگاهانه و برخورد انتقادی میزادائی است. رفیق گورباچف در گزارش سیاسی به هیئت وهفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت: "براشک، نادرستی اندیشه هایی را که بر طبق آنها سازگاری روابط تولیدی با خلعت شیوه های مولده در شرایط سوسیالیسم بطور خود بخودی برقرار میگردد نشان داده است. در زندگی مسائل پیچیده تر از اینهاست. آری، روابط تولیدی سوسیالیستی وسیعاً را برای رسیدن نیروهای مولده می نماید. اما این امر با رسیدن به پیوسته روابط تولیدی است و این معنی آنست که روشهای کهنه مدیریت اقتصادی به موقع تشخیص داده شده و باروشهای نوین جایگزین گردد." این مطلب اکنون دیگر روشن شده است که روند موزورویزه در دهه گذشته در اقتصاد شوروی بدرستی پیش نرفته است. در کنگره این نکته ناآید و تا کید شده که پیشرفت علمی که باید در ارتباط با تولید سوسیالیستی به پیشرفت وسیع و سریع شیوه های مولده منجر گردد در رابطه اشکال تنگ خود را نشان میدهد و دست داده و حتی راه های از اکتشافات علمی طی مدت زمان نسبتاً طولانی بدلیل ظهور و رشد شوروی در بخشهای صنایع و برنامهریزی و در مدیریت اقتصادی اما مورد استفاده قرار نگرفته اند. این امر بویژه در صنایع اتومبیل سازی، ماشین آلات و تولید مواد استخراج معدن بارز بوده است. ناگفته نماند که اکتشافات علمی که در آرای صرف میلیونها روبل بدست آمده می توانستند در اندام تولید را تا چندین برابر ارتقاء داده و شرایط کار را به میزان زیادی بهبود بخشند. و تازه خود تکامل علمی بنا بر نتایج کنگره "تاکنون بطور غیر قابل تحملی به کندی پیش رفته است."

کارگزاران خورده ای بنا م کشور کمیسیون در سبب تریبون کنگره نظرات خود را چنین بیان کرد: "الان چندین سال است که معدنچیان خواستار جکتن سوراخ کنی هستند که سروصدای کمتری داشته و کمتری لرزد. رفیق الکساندر (رئیس آکادمی علوم)، من از شما خواهش میکنم اینرا کنترل کنید. ما میدانیم که این استیو و سوبیوریک جکتن سوراخ کنی تهیه شده که را ندانم این ۲۵ تا ۳۰ درصدی را تولید نموده و لرزد. از سال ۱۹۷۲ این استیو از کارخانه تومسک خواستار تولید این وسیله است. اما نتیجه: صفر! من می گویم: چرا باید معدنچیان این چنین تا مدام در رفتار برگردند؟"

تجای می تواند کنگره گویای آن بود که علت اصلی اغلب پدیده های منفی و نقائص در اقتصاد شوروی در تحلیل نهایی به تضعیف دمکراتیسم در سازمان تولیدی جامعه و ناهماهنگی از اصل

انتقاد دوستانه از خود در مدرسه سوسیالیستی برسی گردد. همانطور که من می بینم در کنگره دمکراتیک در حزب کمونیست شوروی کراسم را در دل خود می پروراند. در سازماندهی اتحادها سبب سوسیالیستی سراسر امر را بر سر شوروی کراسی در اشکال گوناگون خود منجر میشود. بی حیثیت بود که در کنگره گورباچف "حکمی رحمانی را علیه شوروی اعلام کرد.

مارکس میگفت انقلاب سوسیالیستی انقلابی است برای نوده ها و روابط خود بنوده ها. در جنبه میوان از این سخنان مارکس نتیجه گرفت که تکامل جامعه سوسیالیستی بدون تکامل نفسی نوده ها در آن بی معناست. شرکت آگاهانه و گسترش دانشی نقش نوده ها در ساختمان اقتصادی سوسیالیسم و در اداره امور دولت سوسیالیستی از مهمترین نشانه های تکامل سوسیالیسم در کشورهای است که در راستای کمونیسم گام برمی دارند.

در سبب وهفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بطور حده نسبت به کاهش نقش سوراها، تعاونیها، سندیکاها و سایر ارگانهای نوده ای انتقاد بعمل آمد. مسئولیت این نقص اساساً متوجه حزب کمونیست اتحاد شوروی است. اگرچه مفهومی حزب و طبقه و سازمانهای حزبی و سازمانهای نوده ای باید کاملاً از یکدیگر تفکیک کرد، اما در عین حال باید در ارتباط با سوراها و ارگانیک با یکدیگر قرار دارند. نقش رهبری کننده حزب کمونیست در هدایت نوده ها برای شرکت در اداره امور جامعه سوسیالیستی تعیین کننده است. بقول لنین نقش حزب کمونیست بن از کتب قدرت سیاسی و در دوران ساختمان سوسیالیسم به نیا گاه نمی باشد بلکه بطور قابل ملاحظه ای از این می باید.

در سبب وهفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ثابت شد که تضعیف نقش حزب در رهبری نوده ها و کاهش نقش خلق و سازمان نوده در اداره امور جامعه سوسیالیستی ظهور رشتن شوروی کراسی در سالهای اخیر بوده است. در این کنگره بدرستی این نکته اساسی و کلیدی خاطر نشان شد که دست بافتن به هدیفای بزرگ برنامه ۵ ساله جدید و اهداف حزب تا سال ۲۰۰۰ به میزان زیادی به نقش و جگوتیکی فعالیت حزب بستگی دارد. شرط تکمیل سوسیالیسم در شوروی ایجاد تحول در حزب کمونیست اتحاد شوروی است. بدون تغییر در شیوه های فعالیت حزب، بدون ارتقاء نقش حزب در رهبری جامعه، بدون تشدید فعالیت آموزشی و سازمان کار در حزب در میان طبقه کارگر و در میان کل نوده مردم، اهداف حزب رابطه خود را با واقعیات اجتماعی از دست داده و طبقاً به اهداف غیر قابل تحقق تبدیل میشوند.

امعمال رهبری فردی، سوء استفاده از مقام حزبی و بدشع آن از مقام دولتی، ممنوع کردن انتقاد از رهبری در پاره ای مناطق و یا حتی

نتایج اجلاس توکیو

بعد از صفحه ۱

اما سکوت در مورد سیاست نظامی آمریکا از یکسو و محکوم کردن لسی ارسوی دیگر همدلی و همراهی ضمنی سایر کشورهای امپریالیستی را با تروریسم دولتی که پیش از این به سیاست رسمی امپریالیسم آمریکا تبدیل شده است، نشان داد.

در پی همین سیاست بود که محافل حاکمید آمریکا با ردیکالیسی را تهدید کرد و از مسکنان آنها حمایت جدیدی آنهم دیگر نه با توسل به نکاری بیب افکنها، بلکه با استفاده از موشکهای اسرائیلیک "کروز" سخن میمان آوردند و جرج شولتز وزیر امور خارجه آمریکا با اشاره به بیانیه سیاسی گفت: "این فوق العاده عالیست". این سیاست تحت پوشش مبارزه با تروریسم راه را برای مآجرا حوثنی های افسار خفته ارتجاعی ترین محافل آمریکائی یعنی انیکارشی های نظامی - صنعتی در صحنه مناسبات بین المللی باز گذاشت.

از سوی دیگر، مضمون بیانیه سیاسی اجلاس توکیو در واقع چراغ سبزی بوده رژیم پروریستی اسرائیل تا هر زمان که راه داده کند چنانچه اسرائیل تا آنجه را که چندانها پیش با حمله هوائی به اردوگاههای فلسطینی در سوس مرتکب شد، تکرار کند. بی جهت نبود که رهبری اسرائیل رضایت کامل خود را نسبت به سیاست "مدروریستی" اجلاس برار داد.

سلمان پروریسم گورگروهیهای مفسرد و ازوله که بدکسترا مردمی کاه منجر بسود محکوم است. اما پروریسم دولت امپریالیسم آمریکا و ژاندارم وی در منطقه خاور میانه یعنی اسرائیل صدها بار بیشتر از جراحا رونسفر جراحا سگان را برمی انگیزد. آمریکا می کوند با استفاده از ارگانهای تبلیغی و صرف میلیونها دلار، راهبرشی آژنی و تجا و زنا می منتقیم و غیر منتقیم بسنه کشورهای که از استقلال سیاسی خود در قبسال امپریالیسم دفاع می کنند را ماز به با تروریسم جلوه گر کند. اما مردم جهان بخوبی این موضوع را درک می کنند که میا ران هوائی و نحا و زات نظامی امپریالیسم آمریکا و دست نشاندگان عین تروریسم است و آنهم از بدترین نوع آن یعنی تروریسم دولتی. هدف اصلی توسل به تروریسم دولتی از جانب امپریالیسم آمریکا بویژه تندیسرکوب انقلاب و حبسهای سیاسی رهائی بخش در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاسین است.

نتایج سیاسی اجلاس توکیو با نگرشند گرایش امپریالیسم به میلیتاریسم و ارتجاع در سیاست خارجی بوده و نیز نشان داد که امپریالیسم آمریکا همچنان به ستاد داخلی فدا انقلاب جهانی با ردیکالیست هژمونی سیاسی خود را بر رقبای اروپائی و ژاپنی اعمال کند. دومین بحث اجلاس توکیو به مسائل اقتصادی

اجتماسی داشت و این بحث در شرایطی صورت گرفت که بحران اقتصادی جهان سرمایه داری عمومی و گسترش وسیعی یافته است. بحران بولی و مالی از وجوه منحصا طلی بحران اقتصادی سرمایه داری در لحظه کنونی است. سهمین جهت، بحران اقتصادی اجلاس توکیو بر محور ساسیهای بولی کشورهای مربوطه متمرکز شد.

هم اکنون اغتشاشات شدیدی در سیستم مالی داخلی و روابط تجاری بین المللی کشورهای سرمایه داری چشم می خورد. بحران مالی، کل بحران اقتصادی سرمایه داری را تشدید کرده و تفا دین امپریالیسم را تعمیق می بخشد. کاهش تورم برای ارزش پول، عدم تعادل شدید در موازنه پرداختی با کپیای مرکزی کشورهای سرمایه داری، تغییرات سریع در نرخ برابری ارزها و رشد سریع خاص سرمایه داری اکثر این کشورها از مظاهر اصلی بحران بولی کنونی سیستم سرمایه داری است.

بحران کنونی در واقع تداوم بحران بولی است که از سال ۷۱ آغاز شده است. در سال ۷۱، کاهش ارزش دلار موجب تضعیف نسبی دلار در پرداختیهای بین المللی توسط بانک جهانی بول شد. بدسال این وضع، دولت آمریکا محور رسد بطور رسمی قابلیت تسعیر دلار به طلا را حذف کرد. با این تریب قیمت رسمی هوا وین طلا را ۳۵ دلار به ۳۸ دلار در سال ۷۱ و به ۴۲/۲ دلار در سال ۷۳ افزایش یافت.

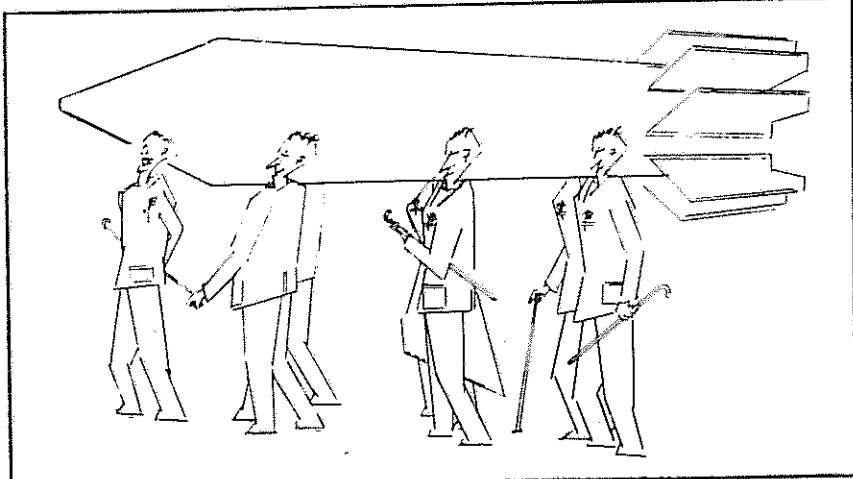
در ایستاد تلاشهای آمریکا برای جلوگیری از کاهش ارزش واقعی دلار راه نجاتی برده است. سیاست ایجاد تغییر در نرخ برابری دلار با سایر ارزها گرچه منبوا ندموحت تضعیف موضع سرمایه داری آمریکا در بازارهای جهانی سرمایه داری بوده، اما منبوا ندموحت سیر کاهش مداوم ارزش واقعی دلار را سد کند.

در اجلاس نیویورک (۲۲ سپتامبر سال ۸۵) که لازم الاجرا بودن تصمیمات آن بطور دونا کنسوار جانب کشورهای مربوطه بر رسمیت شناخته شده بود، امپریالیسم آمریکا موفق به تصویب قطعنامه ای دایر بر کاهش نرخ برابری دلار در برابر سایر ارزها گردید. در اجرای همین تصمیم بود که با بانک مرکزی و وزارت دارائی و مالی آمریکا با در پیش گرفتن سیاست کاهش ارزش دلار و نیز کاهش

سرخ بویه. مونس آمریکا در بحث بولی کشورهای مارکسیست و سوسیالیست و نیز در بحث بیسرداسی است. در پی این و در پی بحران کشورهای سرمایه داری اروپا و آمریکا در سرتیافتن بولی و سوسیالیسم را بویژه برای تغییرات وسیع زینت حد کرد. زیرا واضح است که نرخ برابری دلار در برابر سایر ارزها هر قدر بر سر است، سرمایه داری در عرصه و ساحتها، زمین و زمان، که منبوا ندموحت واردات آن افزوده میگردد و توانایی بولی را با نبودن مآجرا حوثنی

تلاشهای وسیع زینت بولی که هنوز در پی این در اجلاس توکیو عملیات ننگ مو خند آمریکا صراحتا سنجیده از این را رد کرد و بر سبب وسیع مبادلات ارزی بر سبب بولی و مبادلات ارزی بین المللی تا کند و در پی، گنج اجلاس توکیو در زمینه مسائل اقتصادی نیویورک و مآجرا حوثنی آمریکا بر سایر کشورهای بود. زینت که منبوا ندموحت اقتصادی بولی در دهه ۷۰ در میان اجلاسهای اعلام کرد: سرمایه سبب سبب بود. در مآجرا حوثنی امپریالیسم دولتی امپریالیسم نظیر اجلاس توکیو، سبب به حکمتهای کوچکی است که میان قدرتهای امپریالیستی برای تقسیم اقتصادی جهان و گسست مآجرا حوثنی بودا حوثنی در پی میگرد. مضمون اصلی سیاست اقتصادی اجلاس توکیو سبب سبب کشورهای امپریالیستی در پی برقراری نوعی سیستم بولی همدگره سبب مآجرا حوثنی آن نرخ برابری ارزها در برابر سایر ارزها و آرد بولی و بطور "ساور" و بطور سبب سبب ارزها با کپیای مرکزی بلکه در طریق ترکیب این دو سیستم می بود. مآجرا حوثنی این امر است که ارزش برابری ارزها در برابر آرد بولی اساسا با کسر و برای دارائی و مالی کشورهای توسعه یابن میگرد.

سقوط نهایی نفت در مآجرا حوثنی اخیر که در مفرهاشی را برای بحران بولی کشورهای سرمایه داری بینبرفته ایجاد کرد، اما نامی سببها حاکی از آنست که بحران بولی جهان سرمایه داری که ریشه در بحران عمومی سرمایه داری و تشدید تضادهای درونی امپریالیسم دارد، تداوم و گسترش می یابد.





سالگرد سرکوب خلق عرب

سوده و از ضعف تنگل و آگاهی نسبت به مفاعیل ملی -
دمکراتیک رخ می برده است .

خلق عرب که همواره سبب خلیقهای اسیران
طنی بالیان متممادی از ابتدائی ترین حقیق
طنی و فرهنگی خویش محروم بوده است ، تبدیل
اعمال سیاستهای ارتجاعی و شوربختی رژیمهای
حاکم میلی برینی موجودیت خلیقهای ساکن اسران
حنی فادرنه احاطه سین طنی ، آداب و رسوم
فرهنگی سبیده است . مازنه خلق سبیده عرب
برای دسنایی به حقوق طنی و فرهنگی ، همواره
سوط دولتیهای مرکزی تحت عنوان " تحریک طنی "
سرکوب گردیده است . به جز هم طنی ، نسیم
طنقیاتی بیشتری سبیده این خلق روانده است ،
زحمتهای خلق عرب با وجودیکه دریکه زمانی -
ترین مناطقی کسور (خورسان) سیرمی برید ، از
آموزش حرفه ای و نسیم محروم بوده اند . درصدد
بالائی از کارگران سیمایی و سادده صایع نسبت ،
گاز ، برونیمی ، حفاری ، گشت و صنعت ، صنایع
فولادو ... را کارگران عرب تشکیل می دهند .
اغلب کارهای طاقت فرسا و کم درآدمسوط کارگران
عرب احاطه می شود .

به جز خورشیدها حدودی اهورا که غالب
ساکین آنرا غارتسکیل می دهند ، عمدتاً
نوده های خلق عرب در شهرهای کوچک ، روستاها و
جاسده شهرهای بزرگ سکوت دارید . مساسات
عشیره ای و فئودالی در غالب مناطقی عرب نشین
هممان بطور گسترده ای وجود دارند . فئودالیها ،
سبوح و خواشین مرتجع با استفاده از رواسط
عسرسی و خوبی سسترنین نفس را در عقب ماندگی
خلق عرب دانندند . همکاری این مرتجعین سا
دولتیهای مرکزی در سرکوب خلق عرب و محسوف
سمودن مسیر مبارزه آن ، حنسه دیگری از نقش ص
انقلابی آنها می باشد .
در طنی و سبایدقلاب ، زحمتهای خلق عرب
دوستانه سبب خلیقهای ایران ، در مبارزه علیه

نهم خرداد ، روری ساه و حوس در بارح
مارات خلق عرب است - ۲ سال نس ، در رور
" چهارشنبه ساه " رژیم فذحنی جمهوری اسلامی ،
طنی سوطه ای ارسن طر حر سری سده و با اسناده از
ارگانیهای سرکوبکنظامی و سده نظامی ، خلق عرب
را به خاک و خون کسید .

سرحکاه رور چهارشنبه نهم خرداد ۱۳۵۸ ،
سروی زمسی لسکر ۹۲ اهور ، سروی دریایی
خرمشهر ، هلی کوسرهای اهور و سبایکاه وحدنی
درقول ، نکاوران ، باسداران ارتجاع و نسبه
نظامیان سازمان ارتجاعی امل ، سدسورنسمار
مدنی جنایتکار ، اسنادور وقت خورستان و سا
همکاری مرتجعین محلی ، " سازمان سیاسی خلق
عرب " در خرمشهر را بطور وحشیانه ای موردسورن
قرار دادند . سین ارحطه سیره های سرکوبکنه سناد
" سازمان سیاسی خلق عرب " و کسنار محافظین آن
و همجنین دستگیری متحصنین " کاسون فرهنگی خلق
عرب " ، نوده های زحمتهای عرب در خرمشهر
فهرمانا به در مقابل سیره های سرکوبکنه رژیم
جمهوری اسلامی به مفاومت بردا خسد . طنی ایس
مفاومت دهیاین از نوده های خلق عرب نسبسد و
محروح وغده سیماری دستگیر سدد .

حسابت هولناک رژیم جمهوری اسلامی در
نهم خرداد باعث گردید که سده نگاره نهم نوده های
وسعی از زحمتهای خلق عرب سبده حاکمیت
ارتجاعی زدوده شود . این سبده نوده های خلق
عرب سنان داد که رژیم جمهوری اسلامی سده در
جهت تحققی خواستهای و حقوق طنی - دمکراسیک
خلقیهای ایران ، بلکه در راستای سرکوب سار
آنان حرکت می کسد .

اگرچه خلق سبیده عرب در روز نهم خرداد
نشان داد که ارثوان بالائی در مبارزه برای کسب
حقوق ملی - دمکراتیک برخوردار است ، اما ،
" چهارشنبه ساه " سیانگراین واقعیت سیر بود که
خلق عرب فاقدیک سازمان رهبری کسندده انقلابی

نگر ۲۷ و انتقاد از خود

سبدا از صده ۲

در سطح رهبری بعضی از احزاب کمونسیت
جمهوریهای شوروی ، عدم توجه به انتقادات
وشکایات مطروح از " یائین " ، سی مسئولیتی
و ... و دریک کلام تضعیف سبب سبب دمکراتیک
و پیاگرفتن سوروکاری در درون حزب سبب سوان
آما جهای املی ، مورد حمله رهبری و نمایندگان
کنگره قرار گرفتند . میخائیل گورباچف با
اناره به مظاهرسبیده های منفی در درون حزب
اعلام کرد : " تمام اینها یک نتیجه گیری قاطع
را بدسبال دارد ؛ در حزب هیچ سازمانی خارج از
کنترل و مضمون از اشتقاد وجودندارد و وجود نخواهد
داشت ، هیچ رهبری که نتواند در برابر حزب از
مسئولیت خود شانه خالی کند و وجودندارد و وجود
نخواهد داشت . "

حزب کمونسیت عالیترین ارگان شکل طبقه
کارگران زیر امتکل از سبترین ، با سبامت -

رزم دیکتاتوری شاه فعلا سبب کسردسد . سا
انقلاب نسیم ، خلق عرب برای کسب حق نسیم
سرسوت حوس سبب خاص ؛ و در راستای هسین هدف
بود که سبب ار و سببکاران خلق عرب با سبب
" کاسون فرهنگی خلق عرب " و " سازمان سیاسی
خلق عرب " برای احسای نسیم فرهنگی ، آداب
و رسوم طنی و ارتجاع آگاهی و سازماندهی مبارزه
نوده های زحمتهای کام بردا سسد . با وجودیکه سبب
کاسونیه در مجموع از حقوق طنی - دمکراسیک خلق
عرب دفاع می سمودند ، اما نفوذ عام سبب رجوع و
سازشکار سببزه در " سازمان سیاسی خلق عرب "
یکی از عوامل و ماسع سبب سبب خلق عرب در
راستای کسب حقوق خویش بود .

فقدان یک سازمان رهبری کسندده اصیل و
عدم نفوذ کاسونیه ای مذکور در سین نوده های
زحمتهای سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
مساسات عشیره ای و بالائی ، عامل اصلی نهم
نوده های زحمتهای خلق عرب به رهبرائی حوس سبب
محمدطاهر سببیر آل خاتائی بود . این رهبری با
دلیل ماهیت سازشکارانه سبب سبب سبب سبب
مبارزات اعراب را در مسراصولی سبب سبب سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
نوده های عرب را سبب سرکوب خویش نهم خرداد
به حال خویش رها کرد .

می شک ، امروز سبب از گذشت ۲ سال از
جنایت هولناک رژیم جمهوری اسلامی و مفاومت
فهرمانا نه زحمتهای خلق عرب در روز " چهارشنبه ساه "
خلق عرب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
سازشکارانه سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
رهبری کسندده انقلابی و سبب سبب سبب سبب سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
خواستهای ملی - دمکراتیک خلق عرب مسبب
سخواهد بود .

زحمتهای خلق عرب با دیکتاتوری را کسده در
این روز در سرگرمی و مفاومت خلق عرب سبب سبب سبب
فرا موش سخواهند کرد . در هفتمین سالگرد
" چهارشنبه ساه " ، رور مفاومت خلق عرب
با دشمن گرابی ساد !

گورباچف در سخنان سبب سبب سبب سبب سبب سبب
کنگره که سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
فعالیت آن در آسبده سبب سبب سبب سبب سبب سبب
عنوان " برای طسوس و صداقت اعفاء " برای یک
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
در رابطه با مسئله سبب سبب سبب سبب سبب سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
اساسنامه ای گسترش می یابد . اما مانده سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
زانشد و سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
و بزرگتر می کسند . سبب سبب سبب سبب سبب سبب
اعضای جدید را اشبات کرده باشند . ماهمسواره
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
علیه عنامرنا مطلوب و علیه کسانیه سبب سبب
سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
ملاحظات خودخواها نده است . "

باورین فدائیان سرزمین ما انتقاد سید علی شریعتی

سعدارتو، ای.....

ای آخرین ستاره ای اعدای

ای "خسرو" بزرگ

که بقیق ولیزده در ارکان خسروان بودی

من هیچ نیستم

غیرارمسللی که در زمینی یک انقلاب بی کدرد

و خالی و برهه و خونالود

در خون توده های جوان می غلبد

تا مثل خار سپهناک و درنسی

- روئیده بر کربوه های گل سرح -

آینده را

ساخت

در حرم روزگار

با آذ و رشادت سوره کمان حرم

برارین میاجم این ساری

این برار

ای خشم ما بندگاری حرم

خورشیدنا بجا رای حرم

تا جوجه های محفی اعدام

در خاک معده های رسی

آنک

آنک هر ارا لاشخو رای حرم

مثل هزار باره ای بال انسان

خون نیچه بسته است بر این ویران

دیگر سار

سارای حرم

ای خشم جون گذاره آشفنان سار

روی شب شکسته ای استعمار

اما دریغ و درد که حیرت های "او"

با سپهر سید

از هر طرف فرود می آیند

و طلب عاشقان جوان را

با کشورم حرفه است

با کشورم حرفه است

که زندان ها

ار سیم و نقای برنارند

و بارماندگان نپندان

- اسوه ابرهای برسان سوکوار -

در سوک لاله های سوخته

می بارند

با کشورم حرفه است

با کشورم حرفه است که گل ها هور سوکوارند

با شور کرد باد

آنک

مسم که تعبیه برار کرد بادها

در خارا را باد می حرم

تا آس بیفته با کسر

آشفته بر سره ای خورسدهای "سر"

ار نلب خاک های فرا مونی برکند

با ارمباب حجره ها

فوج خشم و خون

روی غروب سوخته ای مرک ، برکند :

این سره ای من است

این سره ای من است که روی فلاب می سجد

و خاک های سکوت تا زده ساله را می آسود

و با هزار منت گران

بر آت های عمان می کوبد

این سره ای من است که می رود

خاکستر زمان را

از خشم روزگار



ناحس و حک و دندان می حابد

و سندهای وحش سچان را

تا خون اس نسله می آلاسد

تا اسپه سحاج

تا اسپه سجد

بر کسور حدرنه اس کدار کوجه های آس و خون

تا آس نغک

تا آس نغک

اسوه ساره سومان

اسوه ساکیان

اسوه اسنام می آیند

حرم صور مردان دسری ست

در برده های اک سسند

دسری ست قلب غسی

در کوسه های بند کسند

حسدان ز کوشه های نفس خواندم

کز باره های زخم ، کلوسند

ای دست اسقلاب

سنت درنت مردم

کلمشت آفتاب

با کشورم حرفه است

همگونی گفتار با کردار تا شیر تعییس
کسند ای بر فعلیت آموزشی و کار ایدئولوژیکی
حزب برای گسترش مارکسیسم - لنینیسم در میان
توده ها دارد . این امر اعتقاد توده ها را نسبت به
صحت ایده ها و ارزشهای کمونیستی حزب جلب کرده
و به گسترش فعالیت مردم در زندگی سوسیالیستی
منجر میشود .

رابطه و تا شیر متقابل کار ایدئولوژیکی و
فعالیتهای حزب کمونیست اتحاد شوروی در راه
اجرای وظائف سیاسی و اجتماعی - اجتماعی و
بقیه در صفحه ۱۲

انطباق گفتار و کردار حزب اناره کرد و گفت :
" ما بلم در این کنکره به مسئله تاریخی ما زکردم .
این امر مسئله است امولی ، هرگونه حدائی میان
آنچه که میگوئیم و آنچه که بعمل در می آوریم برای
امراسی یعنی برستیژ سیاست حزب زیبا تیار
است . و بیچ رونما بد تحمل کرده . حزب کمونیستها .
حزب انطباق گفتار با کردار است . این چیز است که
هر هر کمونیستی با بد بخا طردا شده است . مردم
شوروی بطور مشخص از روی همگونی گفتار با کردار
کارمان را مورد قضاوت قرار می دهند ."

گنگره ۲۷ و انتقاد از خود

بقیه از صفحه ۴

میخائیل گورباچف در ادامه این سخنان
و ضمن اشاره به اخراج پاره ای از رهبران حزبی
و حتی تحت تعقیب قرار گرفتن عده ای از آنان و
نیز تا کید بر تداوم تصفیه همه جانبه مغوف حزب
از شما می گمانم که عنوان کمونیست را
وجه الممالحه قرار میدهند ، به مسئله ضرورت

درگیریهای اخیر مجاهدین و سچفخا (جناح توکل)

بفشار صفحه ۱

استاراسا می‌عده‌ای ارتعاش این جناح نمود. این درگیریها، گرچه بنا به و حیم برسدن می‌انسان محاهدین و جناح توکل و رسیدن آن به نقطه‌ای بحرانی است، لکن روزا این درگیریهای حادث، امری تصادفی و اتفاقی نبوده و مستحکم و محصول سیاستهای انحرافی و روشهای غلط و غیره اصولی مجاهدین و سچفخا (جناح توکل) در برخورد با نیروهای سیاسی و مخالفین خود، نبوده و سبب به یکدیگری می‌باشد. این سیاستها و روشهای انحرافی و غلط تاکنون منشاء برخورددهیهای با درست متعددی بین دو نیرو بوده است. از اسیر و بررسی درگیریهای حادث اخیر، که با حرکت غلط و تسخیر جناح توکل در اور - سور - اوآز آغاز گردید، بصورت حمله‌های در بحیره برخورددهیهای با درست، سچفخا با وجود سیاستها و برخورددهیهای متغایل دو نیرو می‌تواند صورت گیرد.

توکل جناح توکل به سوره‌های با درست و غیراصولی در عرصه مبارزه درون سازمانی و بیرون تنگیهای موضوع بارهای سنگین این جناح طی سالهای اخیر، در مبارزه و مقابله با حقایق درونی سازمان حرکتیهای فداکاری خلق ایران (اقلیت) و دیگر نیروهای سیاسی، مدام به سوره‌های با درست و غیراصولی توسل شده است. سوطه‌گیری، تحریف و تاج و دروغ‌پردازی، بهمه و تحریف شدن به دیگر نیروها و حقایق مخالفان حمله شیوه‌های غلط و انحرافی ای است که این جناح تاکنون بدان توسل کرده است. تصمیم ناسن انحرافات، اس کراس را بطور روزافزونی سوی شیوه‌های غیراصولی و سوطه‌گیری سوق داده است.

فاجعه ۴۰همن و سابق مدتهای آن، آتش تمام نمایی استار و انحطاط این جناح. این جناح که برای سنگین موفقت خود، به بعضی آثار اصولی تنگیهای و سوطه‌گیری و در نهایت سنگین رفتنهای سازمانی خود توسل شده بود، ابتدا نشان کرد که قلب حقایق و دروغ‌پردازی، درگیری چهارم بهمن را نتیجه حمله مزدوران بورژوازی، رژیم جمهوری اسلامی و سوطه و تحریف مجاهدین، حزب دمکرات .. و نمودار داد. اما این عوامل فیزیکیها با موضع گیری نیروهای سیاسی و اعلام نتیجه کمیسیون تحقیق و روشن شدن حقایق تا نکت فاجعه و سیر و گردید. پس این جناح با متهم کردن کلیه نیروهای که حقایق ۴۰همن را بیان کرده بودند به عامل بورژوازی، خائن، مزدور و ضد انقلاب و غیره، کوشید همچنان به عوامل فیزیکیها و تحریف و قایع ادامه دهد، لیکن گستردگی و گوناگونی طیف نیروهای که در این باره اظهار نظر کرده بودند، این حربه را بی‌بسی اثر کرد. حرکتهای اخیر که مدتی پس از فاجعه ۴۰همن، تحت عنوان اعتراضی به علنی کردن اسامی رهبران این جناح و سوطه‌گیری تعظیم کثرت شدن مرکز فعالیت

مجاهدین در " اور " آغاز گردید، در حقیقت تلاشی است برای برده‌بونی حاکمیت ۴۰همن، منحرف کردن بحثها و ذهن عمومی از این مسئله و مطرح کردن محدده خود. بی توجهی به مافوق عمومی حقیق، بکنار رسم شدید و ارجح تکرار دادن مافوق گروهی و سیاسی ویرانگانه کور، سازمان دهندگان این حرکتها را بنا بر حقیقتی که تاکنون بدون اندیشیدن به عواقب کار خود و بدون در نظر گرفتن انگه‌های سنگین حرکتها در وضعیت مشخصی موفقت عملیاتی انجام می‌شود و حتما نراتی در حقیقت برای می‌گذرد، به هر چه‌ای توسل نمود. حتی اگر تلاش و اهداف عنوان شده توسط خود این جناح نیز منتهی ترار داده شود، با درسی و انحرافی نبودن حرکتهای اخیر و سون می‌گذرد. دلیل اصلی شروع این حرکت، اعلام اسامی رهبران این جناح عنوان می‌شود. هر چند این افراد (سمنتر) از جانب رژیم تاکنون سیاستها و اسامی شان شناخته شده است، اما به صورت اعلام اسامی انشاء و رهبران هر تنگیهای اسوی با نیروها عطفی غلط و غیراصولی است و سازمان مجاهدین با اعلام این اسامی به اقدام غلطی دست زده است، ولی با این در نظر داشته‌اند که برای نخستین بار اسامی افرادی را که با جناح همسرکت، و پس از مجاهدین همسرکت اسامی از طرف حریانیهای سازمان را می‌توانند بگویند. اگر این جناح حقیقتا حسن اندامی را با درست و غیراصولی از زمانی کرده و بعد " مبارزه " تا این شیوه‌های غلط را داد است، خودشان توسل نمی‌کنند. از این گذشته با روشهای درست و اصولی تا آن مبارزه می‌گردید و ما حرا حوثی دست نمی‌زد. هدفی سرکه برای این حرکتها اعلام شده است، انحرافی بودن آنرا کاملاً آشکار می‌کند. حرکتهای اخیر با هدف محدود کردن فعالیت سیاسی مجاهدین و به تعطیل کثرت شدن مرکز اصلی فعالیت تا آن در اور - سور - اوآز، آغاز گشته است بطور کلی چنین هدفی انحرافی است چرا که مبارزه با سیاستها و اقدامات غلط و انحرافی مجاهدین از طریق توضیح ماهیت این سیاستها و فعالیت آنها آگاه کرانه در میان بوده‌های مردم باید صورت گیرد، نه با توسل به حرکتها و اقداماتی که دولت امپریالیستی فراسه را به محدود کردن فعالیت علنی مجاهدین سوق دهد. اما روش جناح توکل به نسبت در حرکتهای اخیر در برابر مجاهدین، بلکه در ارتباط با بحثی از نیروهای سیاسی نیز معطوف به جلوگیری از فعالیت علنی سیاسی بوده است. باره کردن نشریات دیگر جریانیها، مبارزه با درگیری فیزیکی برای جلوگیری از پیش‌نشریات و اعلامیه‌های آنها و در مواردی تهدیدهای شدیدتر و ... از جمله اقدامات این جناح بوده است که آخرین نمونه آن مبارزه با درگیری فیزیکی برای

جلوگیری از بحران اعلامیه‌های جناح متغایل است. حقیقت اینست که حقیقتی روئی اسامی غلط و انحرافی است که توسل جناح توکل به آن تاکنون با سرتاب سعی و سعی بر حقایق گسترده است. علاوه بر این در شرایط کمیونیسم از سروری احزاب دست راستی در اسحا با سازمانها براساس و سنگین دولت سچراک، عادی سازی روابط بین دولت فرانسه و ایران در دستور کار دولت جدید قرار گرفته و تاکنون بی‌تلاشهای دو جناح و سون در این راستا صورت گرفته است. از جمله سروط رژیم جمهوری اسلامی برای عادی کردن روابط، ممنوعیت فعالیت نیروهای سیاسی در فرانسه و بویژه برجسته شدن مرکز فعالیت علنی مجاهدین در اور - سور - اوآز می‌باشد. در حقیقت موفقتی حرکتهای اخیر جناح توکل که با هدف به تعطیل کثرت شدن مرکز فعالیت مجاهدین در فرانسه صورت می‌گیرد، حربه‌های بدست دولت فرانسه و راست‌ترین نیروها می‌دهد که با تنگیهای کمتری و سرعتی بیشتر در جهت تحقیق خواست رژیم جمهوری اسلامی حرکت کنند. از اسیر و این حرکتها و درگیریها عمل در خدمت رژیم جمهوری اسلامی و راست‌ترین نیروهای فرانسه، برای عادی کردن روابط شان قرار می‌گیرد. حرکتهای اخیر جناح توکل، که با یکبارگی شیوه‌های غلط و انحرافی سوا موده و سوطه‌گیری سچفخا در این حربه ۴۰همن صورت گرفته است، در موفقت کمیونیسم عمل در خدمت رژیم جمهوری اسلامی و راست‌ترین نیروهای فرانسه قرار می‌گیرد و محکوم است.

درگیریهای اخیر از سوی دیگر، سیاستها و روشهای غلط و انحرافی مجاهدین را سبب می‌کند. مبارزه مجاهدین با نیروهای جناح سچفخا که برای راست‌روا به و جرح براساس شدید، بدنبال " انقلاب ایدئولوژیک " و تعیین مرجعیت " مریم و مسعود " به خصوص کامیونیسم گرا شده است. رهبری مجاهدین بدنبال " انقلاب ایدئولوژیک " و تلاش روزافزون برای نزدیک شدن با نیروهای امپریالیستی و مرجعین منطقه و سکتور در شرایط امپریالیستی برای رسیدن به قدرت، به نسبت در درون تنگیهای خویش مخالفین و معترضین و کسانی را که سوطه‌کار مل با رهبری سون " سعت " نگرفته بودند، تحت سدیدترین فشارهای غیردمکراتیک قرار داد، بلکه هرمان با آن کلیه نیروهای جناح را که در برابر " انقلاب ایدئولوژیک " موضعی نگرفته بودند، همردیف رژیم خمینی قرار داده و با سچفخا " مرجعین جنبه " و " متحدین ارتجاع " آماج شدیدترین حمله‌های تبلیغاتی خود قرار داد. رهبری مجاهدین فرمت طلبانه از هر ضعف و انحرافات و سکا، برای کوبیدن نیروهای جناح سوا استفاده کرده است. این رهبری از هم اکنون، سرکوب نیروهای جناح و دیگر مخالفین " رهبری نوین " را در فرادای سرنگونی خمینی وعده می‌دهد.

فاجعه ۴۰همن نیز فرصتی بود برای رهبری

ندارک حمله جدید

نصفه از صفحه ۱

طی بخشنامه جدید دولت بیست درصد کارگران و کارمندان شاغل موظف به شرکت در جبهه‌ها هستند. علیرغم سارفاستی و مخالفت شدید کارگران و کارمندان با این بخشنامه، رژیم با توسل به زور و ارباب و تهدید به اخراج و غیره آنان را دست‌دسته به جبهه‌ها می‌فرستد.

دانشجویان و استادان دانشگاهها تحت پوشش تلفیق شخص با جنگ بطور وسیعی به جبهه‌ها فرستاده می‌شوند. این بسیج اجباری کسار دانشگاهها و مراکز آموزشی را با خطر توقف روستاها و مدرسه‌ها (نظیر دانشگاهها و معلمان) قطع کرده و در مواردی علامت توقف شده است و حتی سخیانی در باره اینکه سال تحصیلی آینده لغو شود، جریان دارد و ممکن است سال آینده تمام یا بخشهایی از دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور تعطیل شوند.

روانه کردن دانش آموزان و نوجوانان دبیران و معلمان و مربیان به جبهه‌ها، جنبه دیگری از اقدامات ارتجاعی رژیم برای ندارک حمله جدید شمار می‌آید. فرستادن دانش آموزان و معلمان به جبهه‌ها اخلال جدی در آموزش و پرورش بوجود آورده است. آموزش نظامی برای دانش آموزان اجباری شده است و سران مرتجع رژیم از قربانی کردن نوجوانان و کودکان در جبهه‌های جنگ همچون گذشته ابائی ندارند.

عوامل مردود رژیم برای بسیج روستائیان به دهات سیرا عزام شده و با توسل به تهدید، تطمیع و... روستائیان را به جبهه‌ها می‌فرستد. انزای روز افزون فرار از جبهه‌ها و خودداری جوانان از رفتن به سربازی رژیم را

و ادا به نمون قوا نین جدید و اقدامات شدید علیه کسانی که از رفتن به سربازی و جبهه‌ها خودداری می‌کنند، کرده است. طبق تصویب نامه جدید، مدت زمان " خدمت " مشمولین غایب و فراریسان از جبهه‌ها تمدید خواهد گردید، همچنین مراکزی برای پیگرد و دستگیری این افراد ایجاد شده است. گشتهای خیابانی نیز در معابر عمومی بطور گسترده به بازداشت جوانان برای بررسی وضعیت سربازی و اعزام شان به جبهه‌ها اقدام می‌کنند.

سران و عوامل رژیم در کنار تسلیحات گسترده برای جنگ زیر شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" از هر حربه ارتجاعی و فتناری بمنظور بسیج مردم برای فرستادن به جبهه‌ها استفاده می‌کنند. لیکن وضعیت کنونی رژیم بیش از پیش برای ندارک حمله جدید نامساعد گشته است. کاهش شدید درآمد های حاصل از فروش نفت، تعمیق بحران اقتصادی، رژیم را برای تامین هزینه‌های روزافزون جنگ با مشکلات و معطلات جدی روبرو ساخته است. رژیم با آنچنان بحران شدید ارزی روبرو است که نه تنها اعتبارات ارزی غیرجنگی را هر چه محدودتر کرده، بلکه به اقداماتی از قبیل ممنوعیت فروش بلیط به مسافران خارج از کشور توسط شرکتها، سنجای هواپیماهای خارجی دست زده است و قصد فروش بخشی از جواهرات و یکتاها را در ایران دارد.

از سوی دیگر تضاد و اختلاف حول ادامه جنگ در "بالا" تشدید شده است و برخی از نمایان دادن جنگ سخن می‌گویند. این اختلافات آنقدر اوج گرفته که خاستگاههای نیز مجبور به اعتراف به آن گردیده و در دیدار با جمعه‌عظای تهران در این باره گفت: "... اگر فرض کنیم سرخی از مسئولین کشور علاقمندند که جنگ در مقطع خاصی پایان یابد خواست اکثریت مردم با شعار جنگ تا پیروزی مانع از این امر میشود."

در جنبش و معیسی، توسل به شیوه‌های ارتجاعی و سرکوب برای سنج اخباری کارگران، دهقانان، ران، کارمندان، دانشجویان، دانش آموزان و... برای ندارک حمله جدید، بیش از پیش با رضای مردم ارحک و ساسنهای ارتجاعی رژیم را کسرت داده و موجب رنجش اعتراضات و مبارزه مردم می‌گردد. بحران اقتصادی در نتیجه این سیاستهای ارتجاعی و جنگ افروزان زرفتر شده و انما دکتوراسس ارسس تلح خواهد کرد.

علیرغم تلاشهای وسیعی که سران و عوامل رژیم جمهوری اسلامی برای سنج اخباری و ندارک حمله جدید آغاز کرده اند، لیکن همانگونه که بحره حمله‌های گذشته نیز نشان داده است، رژیم جمهوری اسلامی، قادر به کسب آنچنان پیروزی بزرگی که بتواند خواستهای ارتجاعی خود را حاصل کند، نمی‌باشد. در عوض تداوم جنگ سوده‌سای سرشاری را به حباب انحصارات امپریالیستی بر سر کرده و در خدمت سیاست سنج افرائی و سروربسنی امپریالیستی قرار گرفته و حاصلی جز ویرانی و ساهی اقتصاد کشور و کسرت روستا و سنج مردم زحمتکش ایران و عراق در بر نخواهد داشت.

مبارزه با سیاستهای جنگ افروزان و ویرانگر رژیم جمهوری اسلامی، که کسرت سروربسنی زحمتکشان و دکتوراسد را می‌سید، وظیفه مسلم تمامی نیروهای انقلابی و مترقی در شرایط کنونی شمار می‌آید. صدای اعتراض خود را علیه جنور جنگ طلبی هر چه رساتر و صاخره مبارزه مردم را در هر کارخانه و مزرعه، کوی و سرورن، اداره، مدرسه و دانشگاه و... در سراسر کشور، علیه جنگ و برای تلح کسرتش دهیم.

مرگ بر جنگ، زنده باد صلح.

درگیریهای اخیر مجاهدین و سچفخا (جناح توکل)

نصفه از صفحه ۶

تا از این واقعه تا سفاک بارمننا به حربه‌های در کارزار تسلیحاتی این علیه نیروهای جبا استفاده کرده و با کوبیدن مخالفین خود، عدم موفقیتهاش را برده پوشتی کند. رهبری مجاهدین برای حفظ منافع فرقه‌ای و هموار کردن راه بقصد رسیدن شان، توسل به شیوه‌های راجا زمستان در مرتجع و همکار رژیم خمینی تا میدان کلیه نیروهای مخالف مجاهدین از جمله سیاستهای انحرافی اخیر مجاهدین محسوب می‌شود. توسل به شیوه‌هایی از قبیل: دست زدن به تعقیب و مراقبت و سنا سانی افراد و در مواردی توسل به تهدید و ارباب و درگیری فیزیکی، اقدام به انتشار اسامی و چاپ عکس فعالین دیگر نیروها، تنها و تنها در خدمت رژیم جمهوری اسلامی برای سنا سانی فعالین و تکمیل اطلاعاتش قرار می‌گیرد و با هیچ سفسطه‌ای نمیتوان آنرا توجیه کرد. یک چنین عملی در جنبش ایران سابقه نداشته است. مجاهدین به بهانه اینکه بخش اعلامیه در منطقه

فرانسه، توضیح نمی‌دهند، البته بیان علنی اصلی این تلاشهای دولت فرانسه که از ماهیت ارتجاعی و امپریالیستی آنها می‌شود، با سیاست کنونی رهبری مجاهدین که مبارزه ضد امپریالیستی را تحت عنوان "جنگ و دادهای فدا میریالیستی" تخطئه کرده و جلب حمایت مخالف امپریالیستی را محور فعالیتهاش بین المللی خود قرار داده اند، خوانائی ندارد. شیوه‌ها و اقدامات غلط و انحرافی که مجاهدین در این درگیریهایان توسل حستاند، محکوم است. این قبیل برخوردهای غلط و انحرافی از جانب هر دو نیرو، مناسبات نیروها را بیش از پیش وخیم تر و فضای سیاسی را ناامتر کرده است و نتیجه‌ای جز آسینهای جدی برای جنبش در بر ندارد. تداوم این روشها و برخوردها می‌تواند، فجاج تا سفاکباری را در آینده به جنبش تحمیل نماید.

ضروری است که تمامی نیروها با موضعگیری مسئولانه، برای طرد این شیوه‌های انحرافی و تثبیت شیوه‌های اصولی و منطقی برخورد، مبارزه نمایند.

مرگ بر جنگ، زنده باد صلح!

مقاومت و اعتراضات توده‌ای در مقابل
اعمال وحشیانه سرکوبگران

اخباری از کردستان

سقز

بدنبال فشار مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، اخیراً نیروهای رژیم مستقر در روستای "تاله‌جهر" و "حسمه سلاران" واقع در منطقه سرشیو سقز به این روستاها حمله می‌کنند و اهالی هر دو روستا را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند. این اعمال با اعتراض شدید اهالی این دو روستا روبرو گشته و سرانجام در نتیجه شدت اعتراضات مزدوران محبوسه ترک منطقه می‌شوند.

هه وشار

جندی پیش در محلی در نزدیکی روستای "کولته‌په" که قبلاً پایگاه مزدوران رژیم در آنجا مستقر بود، مینی منفجر می‌شود که منجر به شهادت نوجوانی از روستای کولته‌په به نام صلاح کریمی گردید. مردم این روستا طی یک حرکت اعتراضی و با سردادن شعار "مرگ بر خمینیستی" و "مرگ بر جانش و پاسدار" عاملین این جنایت را محکوم کردند.

سنندج

در تاریخ ۱۹ بهمن مزدوران رژیم اهالی به زور مسلح شده روستاهای "سالیان"، "هویه" "سرهویه" را در آنادی "تهوی" هتک جمع کرده و آنان را خواستار دادن شاعر علیه حبس انقلابی کردستان و نیروهای انقلابی آن می‌شوند که با سکوت یکپارچه آنان روبرو گشته و این بار نیز از به زور آوردن مردم زحمتکش کردستان تا کام می‌اندد.

مریوان

در تاریخ ۲۲ بهمن مزدوران با بسگاه "بی به کهره" به روستای "تغین" حمله می‌کنند و با اذیت و آزار مردم بیدفاع این روستا می‌پردازند. اهالی منطقه به اعتراضات وسیعی علیه اعمال مزدوران رژیم دست می‌زنند که در نتیجه آن مزدوران رژیم مستقر در پایگاه "بی بیگه ره" در مقابل خشم مردم شروع به تیراندازی هوایی می‌کنند، اما با ادامه اعتراض مردم زحمتکش منطقه این عمل سودی نبخشد و مزدوران ناچار به ترک روستای "تغین" شدند. روز بعد مزدوران به روستای "ولان" حمله کرده و با تیراندازی به ارباب توده‌ها پرداختند. در اثر این تیراندازی یکی از اهالی روستا زخمی شد. مردم روستا اعتراض کرده ولی مزدوران شماری از اهالی روستا دستگیری کنند. این بار مردم منطقه با یک اعتراض دسته‌جمعی در مقابل پایگاه "بی به کهره" جمع شده و مزدوران را مجبور به آزادی دستگیرشدگان می‌کنند.

در تاریخ ۲ اسفند ۶۴ مزدوران مستقر در پایگاه "نگل" به روستای "زمنج" می‌روند. مردم این روستا مزدوران را طرد کرده و از دادن مواد خوراکی به آنها خودداری می‌کنند. سرکوبگران رژیم تلاش مذسوحانه‌ای می‌کنند تا بلکه بتوانند

مردم را به پذیرائی از خود جلب نمایند. اما همچنان با مقاومت مردم روبرو گشته و در نتیجه سرافکننده روستا را ترک می‌کنند.

مهاباد

در نیمه دوم اسفند که مزدوران رژیم در منطقه "شارویران" مهاباد مستقر دستگیر جوانان این منطقه دست به عملیات وسیعی زده حدود ۷۰ تن از جوانان اهل روستاهای "داره‌لک" و "شیندرفانی" را دستگیری نمایند. این عمل بویژه در روستای "داره‌لک" بصورت پرشاب سنگ سوی مزدوران و تکستن شیشه خودروهای آنها از جانب اهالی روستا مورد اعتراض قرار می‌گیرد.

در روز ۱۷ فروردین ۶۵ مزدوران رژیم قفسه وسایل دستفروشان را در داخل شهر مهاباد جمع کرده و به خارج از شهر انتقال می‌دهند. همچنین شماری از دکه‌داران را که مقاومت نمودند، دستگیری نمایند. بعد از این عمل دستفروشان این بار یکپارچه جمع شده و متحدان علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم دست به اعتراضات گسترده‌ای می‌زنند و رژیم را وادار به عقب نشینی می‌کنند.

مریوان

بدنبال اوج گیری جنگ ارتجاعی ایران و عراق، احیای رژیم نیروی وسیعی را به منطقه مریوان گسیل داشته که مردم مظفرا متحمل فشارهای زیادی کرده‌است. مزدوران مردم را بطور مرتب مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند. مثلاً با تیراندادن هوا، حکومت‌نظامی اعلام کرده و خانه‌های مردم مورد تفتیش و جیاول قرار می‌گیرد همچنین تعداد دستگیرشدگان بی اندازه شده است. این حرکات معمولاً با اعتراضات شدید مردم مواجه شده و اغلب نیز مزدوران در مقابل تعرض توده‌ها محبوسه عقب نشینی گشته‌اند. از جمله در روستاهای "پیله"، "سله‌سی"، "سه رشاوا"، "شهرک"، "هه‌نجیران" و "کاگل" مردم موفق به راندن مزدوران گشته‌اند.

دیواندره

مردم روستای "تخت" واقع در منطقه "تیله‌کوی" دیواندره که از جندی پیش توسط رژیم به زور مسلح شده بودند، بطور دسته جمعی به مقر سیاه رفته و مخالفت خود را با تسلیم اجباری اجزای دارند.

مزدوران رژیم جهت مسلح کردن روستائیان "زامن‌شاوا" به این روستا حمله کرده و روستا را به محاصره درمی‌آورند و اعلام می‌کنند که تمامی مردم باید تسلیم شوند. مردم می‌گویند که به هیچ قیمتی حاضر به تسلیم شدن برای رژیم نیستند. مزدوران در نتیجه مقاومت مردم عقب نشینی می‌کنند و توطئه تسلیم اجباری

این بار نیز در یکی از مناطق کردستان با تکمیل روبرو شد.

اخاخی و جیاول سام کمک به جبهه‌ها!

کامیاران

فشار رژیم برای جمع آوری کمک مالی و تهیه آذوقه از قسبل روغن، قند، چای، مابون و... برای جبهه‌های جنگ ارتجاعی ایران و عراق به حدی که خود رسیده‌است. در این رابطه عناصر مزدور رژیم به خانواده‌هایشان آموزان اخطار کرده‌اند که با بایدهای جبهه‌ها تسلیم بی‌زندیا فرزندانشان را از مدارس اخراج خواهند کرد.

پیرانشهر

اخیراً رژیم در رابطه با تا مین بودجه جنگ و هزینه‌های سرمایه‌آوران بلای خانمان بر انداز در آدا به زور گوشتیهای خود، فشار بیشتری را جهت گرفتن باج و خراج از مردم منطقه پیرانشهر افزایش داده‌است. به همین سبب از تمامی دهقانان خواسته شده که تمامی وامهایی را که در زمان شاه و از بانک کشاورزی گرفته‌اند، باز پس دهند. همچنین از تمامی مسافرانی که قصد خروج از شهر را دارند، مبلغی "عوارض" دریافت می‌دارند.

سرازمگیری اجباری و مقاومت توده‌ها

بوکان

مدتی است که رژیم جهت سرمایه‌های جنگ و برای دستگیری جوانان و اعزام آنان به جبهه‌ها بر بستنای باز دید و کنترل خود در منطقه بوکان امروزه است و تا حال تعداد زیادی از مردم دستگیر شده‌اند. در آدا به اعتراضات مردم نسبت به این اعمال در تاریخ ۱۴ بهمن ۶۴ مردم بدست مردم بوکان گشته می‌شود.

سنندج

رژیم جمهوری اسلامی برای تربیت توده‌ها مشمولان شیروهای مختلف را که به زور دستگیر کرده‌بود و در یادگان آموزشی سنندج و قرا رگا هیای مختلف اسکان داده‌بود، در کاروانیهای "سنا" راهبان قدس "به جبهه اعزام کرد. بدین وسیله رژیم می‌کوشد تا دهکده مردم سنندج را بطور دلخواه و داوطلبانه اعزام جبهه‌های جنگ هستند.

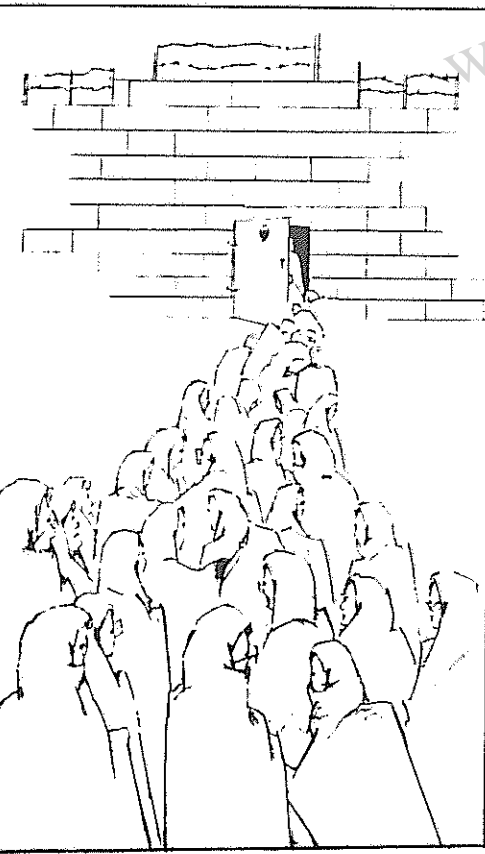
دیواندره

۱۵ تن از جوانان روستای "شهمه" توسط مزدوران رژیم و در راستای سر بازگیری اجباری دستگیری شدند. بهنگام انتقال به شهر سقز نفرات آنها در بین راه موفق به فرار می‌شوند و از دست مزدوران نجات می‌یابند. مزدوران رژیم مابقی را مدتی زندانی کرده و در اثر مقاومت آنها در امتناع از رفتن به جبهه‌ها، رژیم مجبور به آزادی کردن آنها می‌شود.

اردوگاه، زندان جدید زنان

رسانها و تشکلهای کبوسی که ممنوا ردهبها هزار زن سارا سدیگر کفاسمی کند. ساددر منطقه نیز رسانها شایعاسود که کفاسر وسی دایشته باشند. حس این رسانها ی حدسکه ساه اردوگاه اجادمی سدرای رژیم جمهوری اسلامی در این است که جرح وهر سهر رسان سرعسده خانوادها سنان خواهد سود و رژیم محوسسب بودجای به آن اختصاص دهد. رسانی کردن رسان به جرح خانوادها سنان اسکارا رنحای جدید سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است که در هیچ نقطه جهان نظیر آن یافت سمشود. رسان اسران در آینده ای نزدیک شاهد ساد عوامل رژیم در این اردوگاهها نیز خواهد بود.

این طرح ارنحای برای سدی سراسر رسان ، وحسگری وسارک اندیسی سردمداران رژیم را جرح سسرتو سربان کرده و هراس و وحس عمو سنان را از هرا عراض و سار رهای عیان می سارد. طرح جدید سنان میدهد که مرخصین حاکم برای ادایه حیات سکن سنان و تحمیل قوانین ارنحای عسی و قرون وسطائی سرحا سده از هیچ حاسنی رو سگردان نیستند. اما این حربه های ارنحای سرفسکار نخواهد بود. رسان را ارسار رر برای کس حقوی با سمال شده خوین سار دارد.



ایران پیدا کرده نیز سنا س میگردد. واقعتا اینستکه علیرغم تمامی سرکوبهای وحشیانه ، اعتراض زنان علیه با سمال سدن حقسقوق ابتدائی سنان همچنان ادامهدارد. عدم رعایت کامل حجاب اسلامی از سوی بخش وسیعی از زنان در حقیقت نوعی اعتراض منقی نسبت به رژیم ومبارزه برای کسب حقوق با سمال شده خوینس. منجمله آزادی بوشن به سمار می آید. سی چیست نیست که رفسنحائی مرتجع در همان خطبه سمار جمعه می گوید:

" بعضیها سنان عناد دارند، بعضیها سنان اصولا ضد انقلاب هستند، بعضی جون با انقلاب مخالف هستند، اینجوری می کنند که بگویند ما با انقلاب نیستیم "

این مبارزه منقی رسان ، وحس و خشم مرتجعین حاکم را برانگیخته و وامیدار کرده برای تشدید سرکوب وخاموش ساختن اعتراضهای زنان به روشهای هرچه خشن تر و ساد ساسی تری رو میآ ورنند. لایحه جدیدی که توسط شورای عالی قضائی تدوین شده و به مجلس ارائه شده، ساهد تشدید بی باقه فشار و سرکوب بر زنان تنظیم گردیده است تا دست سران وعوامل رژیم را بطور قانونی س برای فشارهای بیشتر کاملانا سگدارد. رفسنحایی خائن در باره این لایحه فداسانی می گوید:

" اینها خطرناک است وفکر میکنم که س ۷ سال تحمل مایم تمام س شود، مردم حزب الله جدیدار طغیان کردند و دیدید که در خیابانها ریختند... به آنها وعده دادیم که اینها خودشان آدم میشوند وباز می بینیم که مثل اینکها اینها یک مقسدار احتیاج به خشونت دارند.

البتة شورای عالی قضائی یک پیش نویس لایحه ای را تهیه کرده و با قلابه حزب الله وعده داده بودیم که عمل می کنیم ومقدماتی را فراهم کرده اند و همین روزها به مجلس می آید. این لایحه در نظر گرفته است که اردوگاهها شای در مناطقی در نظر بگیرند برای بازسازی خانمها و آقایی که دچار مجله های از ساد اخلاق هستند. فکر شده که در هر منطقه یک اردوگاه س برای اینها درست کنند... کسانی که اینجوری می کنند، تحویل دادگاههای فوری می دهند و دادگاهها اینها را محاکمه می کنند، و اگر دیدند که مداومت بوده اینها را تحویل به اردوگاه می دهند، تعیین می کنند ۳ ماه، ۲ ماه، ۵ ماه، یکسال، دوهفته آنجا میمانند... بنا بر این اساس آنها بروند آنجا بنشینند و جرح س راهم شوهران سنان باید دهد... انشاء الله وقتی این قانون به مجلس آسند و بحثهای را شما نیز از سربون مجلس خواهید شنید، آس موقع مقصر خود سنان هستند."

بر طبق این لایحه جدید، رژیم جمهوری اسلامی در سدارک ایجاد اردوگاهها ، یا درستتر است بگوئیم زندانهای، در هر منطقه برای زنان ایران است تا بتوانند با به بند کشیدن سمار وسیعی از زنان جلوی مبارزات آنان را سد نماینند.

فشار و ستم دوگانه بر سنان میهن مان مدام افزایش می یابد و زن در رژیم جمهوری اسلامی به سطح شهروند درجه دوم سزل کرده و از استادی ترین حقوق انسانی فردی و اجتماعی محروم گشته است. عرصه کار و فعالیت در زمینه های مختلف اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و... برای زنان هرچه تنگتر شده و در مواردی سبادی قانونا ممنوع گشته است. رژیم جمهوری اسلامی ساشعار " یار سوری یا سوری " ساراه انداختن دسته های حزب الهی در خیابانها و ایراد ضرب و جرح و پاشیدن اسید بر روی زنان در ملا عام ، روانه کردن گشتهای مختلف و دستگیری و بازداشت زنان در خیابانها ، اخراج و بیکار کردن زنان کارگرو کارمند و... و خلاصه به روشیله و شیوه وحشیانه و غیر انسانی منوسل شده تا حجاب اجباری را بر زنان میهن مان سزور تحمیل کند. مجازاتیهای وحشیانه از قبیل سنگسار کردن، قصاص ، ساری کردن حد و... در مورد زنان وسیما رواج یافته است. بی حرمتی به زن و تحقیر آن در جمهوری اسلامی ، حکم قانون پیدا کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی که با سوق داد بر زنان به فقر و فلاکت روز افزون ، تبلیغ و رواج صنه به فحشاء دامن می زند، برای عوام مغربسی وسرده بیوشی اعمال ضد انسانی خود در تضیق آنکار حقوی رسان و تحمیل حجاب ، به موعظه در باره " مبارزه ساسی بابی عفتی" نوسل می جوید. " مبارزه ساسی عفتی " و " عدم رعایت کامل حجاب اسلامی " جربه عوام مغربسیانه است در دست سران مرتجع و واپسگرای رژیم برای تشدید فشار و سرکوب رسان. با سمال کردن آنکار حقوق اجتماعی و فردی و وحسگریهای بی حد و حصر در قبالت زنان هنوز سران مرتجع رژیم را راضی نکرده است و آنها اکنون در آسند که فشار سربگرده رسان را دو جنس سدان سازند. رفسنحائی مرتجع در نماز جمعه روز ۱۲ اردیبهشت می گوید: " خانمهای متاسفانه پس از هفت سال از انقلاب هنوز به این راضی اند که تعدادی از موبسنان بیرون ساند... هنوز هم در شهرهای سزرگ این بلیه را دار سدر و در بعضی مغازه ها اینگونه مسائل ترویج می شود و در بعضی ادارات هنوز خوب مراعات نمی شود و اینها خطرناک است."

بیرون بودن " مقداری " از سوی رسان از سوی سردمداران رژیم ، " بلیه ای خطرناک " است که " باید سدن سنان مبارزه " کرد. بنظر این مرتجعین وحسگریهای که تا کسور سادورت گرفته کافی نبوده و باید اقدامات و سرکوبهای ضد انسانی به اوج خود رسانده شوند.

هراس سران رژیم از عدم رعایت کامل حجاب اسلامی و ارزیابی آن بعنوان " بلیه ای خطرناک " سرفا از تاریخ اندیشی و تمایل شدید برای اعمال قوانین و رسوم قرون وسطائی و ارتجاعی ناشی نمی شود، بلکه علاوه بر آن از معنا و مفهومی که این عمل در جامعه سسروری

جنبش کارگری در سالی که گذشت

تقیه رصفحه ۱

سیاسی صرف داشته است. مهمترین مطالبات صنفی سیاسی کارگران که بیشترین درصدمسازات جهت تحقق آنها صورت گرفته است، شامل مبارزه علیه جنگ، افزایش دستمزدها، پرداخت حقوق معوقه، پرداخت یا افزایش حق سپهروری کار، اجرای طرح طبقه بندی مناعل یا اجرای عادلانه آن، توقف اخراجهای فردی یا دسته جمعی، بازگرداندن اخراجهای به کار، تامین وسایل ایمنی و بهداشتی محیط کار، مسطور جلوگیری از سرورحوادث و سوانح در حین کار، جلوگیری از افزایش ساعات کار یا کاهش آن، عدم دخالت نیادهای بوروکراتیک و ارتجاعی مثل "انجمنهای اسلامی" و غیره. امور کارگران و در مواردی انحلال آنها و رفع اجحانات و زورگوشیهای مدیران، کارفرمایان و سرمایه داران بوده است.

در کنار این مطالبات، کارگران برای تحقق خواستههای دیگر سردست به اقدامات مبارزاتی زده اند. از جمله میتوان به پیودوضع غذا، تغییر ساعت کار، افزایش حق مسکن، حق اولاد، پرداخت اضافه کاری، حق ایاب و ذهاب ویا بهیودآن ... اشاره نمود. در سال ۶۴ بدایین خواستهها میتوان خواست برسمت شاختن اول ماه مه و تعطیل شدن این روز (با پرداخت دستمزد) که کارگران به اشکال گوناگون، از تحریک نمایشات فرمانبر رژیم و عدم حضور در محل کار یا برگزاری جشن روز کارگر بطور مستقل در کارخانهها و واحدهای تولیدی سرآن پای فشردند. رایسیر افسزود.

در سال ۶۴ مبارزات کارگران عمدتاً حصول مبارزه برای افزایش دستمزدها و دیگر خواستههایی که به نوعی به مسئله دستمزد و بهبود شرایط زندگی ربط دارند و نیز علیه اخراجهای فردی و دسته جمعی صورت گرفته است.

افزایش اقدامات کارگری و اشکال مبارزات کارگران

مبارزات کارگران در سال ۶۴ بصورت اعتراضات جمعی، بشکل تجمع و تحصن در دفاتر مدیران و یا جمع آوری امضا، و طومار نویسی، درگیری با مدیران، سرپرستان و اعضای انجمنهای اسلامی که در مواردی منجر به مجروح شدن و یا زندانی نمودن آنها نیز شده، تحریم نمازهای جمعه، سخنرانیهای مزدوران، انجمنهای اسلامی شوراهای اسلامی کار و ملحقات آنها، امتناع از کمک به جنبهها، کمکاری و اعتماد بیروزگسرد. اقداماتی از قبیل تخریب ماشین آلات، تهدید مزدوران فدکا و گروهی از پای در آوردن آنها نیز بطور نا در صورت گرفته است.

گرچه در شرایط کنونی اتخاذ هر یک از اشکال مبارزاتی فوق بدلیل دولتی بودن صنایع سنگین و اکثر کارخانجات و موسسات تولیدی، مستقیماً کارگران را رودروی رژیم و نیروهای

سرکوبگران قرار می دهد. حامل سیاسی است. اما برخی از اشکال مبارزاتی کارگران که در سال گذشته بدست قابل توجهی افزایش داشته مثل تحریم نمازهای جمعه، انجمنهای اسلامی، شوراهای اسلامی کار، مخالفت بوشیده و آشکار با جنگ صرفاً جسمه سیاسی داشته اند. از جمله تغییرات مهمی که در اشکال مبارزاتی کارگران نسبت به سال ۶۳ رخ داد، افزایش میزان اعتمادات در مجموعه حرکات کارگری در سال پیش می باشد.

گرچه نمیتوان در رابطه با تعداد واقعی حرکات جمعی و اقدامات اعتراضی و اعتمادی کارگران بدلیل سلطه خفتان و دیگسوری، آمار دقیقی ارائه کرد، اما برسمای گزارشات متعددی که تاکنون از سوی نیروهای انقلابی و مترقی منتشر شده (سیاری از آنها رو گزارشات مسازرات کارگران بدلیل مشکلات مربوط به ارسال بموقع و بخش آنها بعضاً ماهها طول می کشد تا در اختیار کسی قرار گیرند) این حرکات بد لحاظ کمی نسبت به سال ۶۳ افزایش یافت. این امر بویژه در زمینه درگیریهای بین کارگران و مدیران، سرپرستان کارفرمایان و مزدوران انجمنهای اسلامی کاملاً مشهود بوده است.

اقدامات ضد کارگری رژیم

تمرکز رژیم در سرکوب مبارزات کارگران موبداین اقصیت است که جنبش کارگری نقش موثر و تعیین کننده ای در تکان مل روند جنبش نسوده ای داشته است. برخلاف سالهای پیش از انقلاب بهیمن که جنبش کارگری در پی جنبش نسوده ای به حرکت در آمد، طی سالهای پس از انقلاب و بویژه دو سال اخیر در پیشانی جنبش نسوده ای قرار داشته است. سوازات رشد و گسترش اقدامات و اعتراضات

کارگری، رژیم همچنان از خزیره زور و سلاح و نیز فریب و تحمیق برای خاموش کردن فریاد اعتراض کارگران و تعرض به دستا وردهای آنان استفاده کرد. اما شیوه فریب و تحمیق کارگران دیرزمانی است که بدلیل فروریختن توهمات نسوده های وسیعی از کارگران نسبت به رژیم، کار برده خود را از دست داده است. از اینرو، حربه سرکوب و توسل به سلاح، تهدید و ایجاد رعب و وحشت در محیط های کارگری، در سال گذشته، بیش از پیش از سوی رژیم بکار گرفته شد. اقداماتی از قبیل اشغال کارخانجات و موسسات تولیدی توسط ارگانهای سرکوبگر رژیم مانند سپاه پاسداران و کمیته ها و حمله مسلحانه به تجمعات اعتراضی کارگران، اخراج یا تهدید به اخراج، جلوگیری از ورود کارگران به کارخانه، گسیل مزدوران و جاسوسان به محیط های کار و بسیج و اعزام اوباشسان و ارادل حزب الهی برای متفرق کردن اجتماعات کارگری از عمده ترین شیوه های سرکوبگرانه رژیم بوده است.

بموازات بکارگیری این شیوه های مستقیم سرکوب، رژیم به اشکال غیر مستقیم مانند تشکیل "کمیسیونهای مقابله با اعتصاب"، که ضرورت آن بعد از اعتماد قهرمانانه کارگران ذوب آهن در سال ۶۳ رسماً طی بخشنامه ای به تمام

دواثر، ادارات و ارگانهای سرکوبگر ابلاغ کردند. نیز بوسل حسه است.

مخالفت کارگران با جنگ و سیاست**رژیم در این رابطه**

با اوج گیری جنگ شهرها در اواخر سال ۶۳ و اوائل سال ۶۴ و سروردهها تظاهرات نسوده ای، کارگران نیز پیش از گذشته و به انحاء مختلف سیاستهای جنگ طلبانه رژیم را محکوم و مخالف خود را با جنگ خانمانسوز و ارتجاعی اسرار کردند.

شرکت بسیاری از کارگران در تظاهرات ضد جنگ، امتناع از رفتن به جبهه ها و مخالفتهای علنی با یاج سناضی های رژیم برای تامین نیازهای جنگ ارتجاعی، از نشانه های مبارز مخالفت کارگران با سیاستهای جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی طی سال گذشته بوده است. رژیم در مقابل مخالفت کارگران علناً به شناسایی و با منویسی کسانی که از یاج دهی خودداری میکنند، متشبت شده و با خود سرانه به قطع بگروز حقتساری کارگران اقدام نموده است.

بدنیال مقاومت و ایستادگی کارگران در برابر اعزام به جبهه های جنگ و تکست مفتحنانه "سیج های کارگری" در این رابطه، رژیم با صدور بخشنامه های متعدد مدیران و کارفرمایان را موظف نمود که بطور نا بابت بین ۱۰ تا ۲۰ درصد کارگران را به جبهه ها اعزام کنند. اینها عمده ترین اقدامات ارتجاعی و علنی رژیم علیه کارگران در رابطه با جنگ ارتجاعی در سال گذشته بوده است.

نقاط ضعف جنبش کارگری

با وجود آنکه گرایش به تشکیل بدیری در بین کارگران بیشتر شده، جنبش کارگری در سال گذشته نیز همانند سالهای بعد از خرداد ۶۰ به لحاظ تشکیل مستقل ضعیف بود. این برجسته ترین ضعف جنبش کارگری، از یک رشته علل متعدده ناشی میشود. سلطه دیکتاتوری و سرکوب و ترور و حشیا به و غیره آن، نا بودی تشکلهای مستقل کارگری که طی قیام و سالهای اولیه پس از قیام بوجود آمده بودند نظیر شوراها، سندیکاها، تعاونیها، ... و فسدرت گیری و گسترش ارگانهای بوروکراتیک و کارگری ستیزی مثل "انجمنهای اسلامی"، "شوراهای اسلامی کار"، "اداره حراست" و غیره، ضعفها و پراکندگی جنبش کمونیستی و محدودیت ارتباط آن با جنبش کارگری، اعدام یا دستگیر شدن بخش مهمی از فعالین با تجربه جنبش کارگری از علل اصلی این ضعف بشمار می روند.

علاوه بر آنکه جنبش کارگری در سال گذشته بدلیل ضعف تشکیل درستیز با رژیم و سرمایه داران متحمل ضربات فراوانی گردید، دچار پراکندگی نیز بود. اعتراضات و اعتمادات نتوانستند از محدوده یک کارخانه و در بسیاری موارد حتی از یک بخش در درون واحدی تولیدی فراتر روند. کارگران نتوانستند بدین حرکات خود هماهنگی ایجاد کرده و در جهت سراسری و یا دستکم منطقه ای کردن آنها کام بردارند.

بحران پولی جهان سرمایه داری

بحران پولی عبارتست از هرج و مرج شدید در سیستم پولی و روابط مالی داخلی و خارجی در کشورهای سرمایه داری. بحران پولی یکی از وجوه بحران عمومی سرمایه داری است که در نتیجه تکامل تضادهای ذاتی سرمایه داری بروز کرده و بنویه خود تضادهای درونی امپریالیسم را تشدید می کند. مشخصه های اصلی این بحران، از بین رفتن قابلیت تعمیربول و جریان یافتن ببول بدون پشتوانه و غیرقابل تبدیل به طلا و در نتیجه کاهش تورم زای ارزش بول است.

بحران پولی ریشه در بحران اقتصادی سرمایه داری دارد، زیرا در دوران بحران اقتصادی سرمایه داری حفظ پشتوانه طلا برای بول غیر ممکن می گردد و در نتیجه خاص های قیمت کاملاً سرعت رشد یافته و قیمت طلا شدت افزایش می یابد. بحران پولی خود را در داخل کشورهای سرمایه داری بصورت بالارفتن سریع قیمت ها و بعبارت دیگر کاهش قدرت خرید بول و در روابط تجاری خارجی این کشورها بصورت عدم تعادل شدید در ترازیرداختها و نوسانات مداوم در نرخ برابری ارزها نشان می دهد.

بحران پولی جهان سرمایه داری برای نخستین بار با بروز بحران عمومی سرمایه داری، کاهش ارزش بول و عدم قابلیت تعمیر آن به طلا در دوران جنگ جهانی اول آشکار شد. در این دوران، قابلیت تعمیر بول کاغذی به طلا کاهش یافته و سپس در جریان بحران اقتصادی سالهای ۱۹۲۳-۱۹۲۹ بکلی از بین رفت و ذخایر طلا صرفاً در انحصار دولت های سرمایه داری و فقط بسرای تسویه حساب های مالی بین المللی مورد استفاده قرار گرفت.

با تشدید بحران پولی در سالهای ۳۰، مبادله کنترل شده جای مبادله آزاد را در بازار را گرفت و دولت های اکثر کشورهای سرمایه داری بمنظور مقابله با بحران، کنترل مبادلات ارزی و مالی بین المللی را بدست گرفتند. اما این اقدام نتوانست چاره ساز باشد و بحران پولی همچنان تداوم یافت.

در سال ۱۹۴۴ که بحران پولی در نتیجه تشدید تضاد گروه بندی های امپریالیستی و جنگ جهانی دوم به اوج خود رسیده بود، کشورهای سرمایه داری و در راس آن امپریالیسم آمریکا با هدف حل بحران و تنظیم روابط پولی - مالی بین المللی دست به ایجاد بانک جهانی بول (F. N. I) زدند. بانک جهانی برای مقابله با بحران پولی بعد از جنگ جهانی دوم سیستم پولی جدیدی بنام سیستم برتن وودز (برتن وودز نام یکی از شهرهای آمریکا است که اجلاس سران کشورهای سرمایه داری در آنجا برگزار شد) را پایه گذاری کرد. بر اساس این سیستم کنترل و تعیین

بهای ارز توسط دولت ها یا بگزین بازار آزاد بول گردیده و مبادلات بین المللی کشورهای سرمایه داری می بایست تحت کنترل این بانک و بر پایه "سیدیولی جدید" یا ارز بین المللی جدیدی بنام "حق برداشت ویژه" (D. T. S) که ارزش آن اساساً با دلار تعیین می شد، صورت میگرفت. این تصمیم گیری در ضمن پاسخ به مسئله نگرانی های بود که در بین محافل سرمایه داری نسبت به نقدینگی های بین المللی و پرداخت های بین المللی، در شرایط بحران پولی آن زمان برانگیخته شده بود. با توجه به نقش تعیین کننده امپریالیسم آمریکا در بانک جهانی، این مسئله در حقیقت وسیله ای بود در دست انحصارات آمریکا برای تحکیم موقعیت آنان در سیستم جهانی اقتصاد سرمایه داری.

در دهه های ۴۰ و ۵۰ سیستم پولی سرمایه داری عمیقاً تحت تاثیر دلار قرار داشت. در این سالها، اقتصاد ایالات متحده بدرجه ای تقویت و از اقتصاد سایر کشورهای امپریالیستی پیشی گرفت که دلار به طلای جدید معروف شد. ارزش سایر بولها صرفاً با دلار تعیین میگردد و اکثر بانک های جهان ذخایر ارزی خود را بصورت دلار و در بانک های آمریکا نگهداری میکردند.

از اوائل دهه ۵۰ تا سال ۶۷ بهبودهای نسبی در سیستم پولی سرمایه داری بدیده آمد و آشنگ روند تورم در اکثر کشورهای پیشرفته سرمایه داری به کندی گراشت. اما از سال ۶۷، بدلیل رشد عظیم میلینتاریسم در اقتصاد ایالات امپریالیسم، ظهور بحران دوره ای سرمایه داری و تغییرات شدید در بهای مواد اولیه، بحران مجدداً سیستم پولی سرمایه داری را در خود فروبرد. در اوایل دهه ۶۰ تدریجاً ارزش دلار افت کرد و تضاد انحصارات امپریالیستی شدت گرفت.

بانک جهانی بول در سال ۷۱ برای مقابله با اوج گیری مجدد بحران پولی در سیاست های خود تجدیدنظر و تغییراتی را در ارزش "حق برداشت ویژه" ایجاد کرد. از آن پس ارزش "حق برداشت ویژه" بر مبنای ارزش پنج بول اصلی یعنی دلار مارک، فرانک فرانسه، لیره استرلینگ و ین ژاپن تعیین می شد. علیرغم کاهش ارزش دلار در "حق برداشت ویژه" به یک سوم، هنوز دلار نقش اصلی را در آن ایفا میکرد. اما با این وجود، سیاست های جدید نتایج مثبتی بدنبال نداشت و بحران پولی بصورت کاهش ارزش بول کشورهای سرمایه داری بویژه دلار، رشد سریع تورم و عدم تعادل در موازنه ترازیرداختها بقوت خود ادامه یافت.

از سال ۷۳ بتدریج نرخ برابری ارزها که بطور ثابت و از طریق بانک جهانی بول تعیین می شد، بسوی تعیین نرخ ارزها در بازار آزاد

گرایش یافت. مصطفی ارشاد "حق برداشت ویژه" بعنوان پایه مبادلات مالی و بحساری بین المللی، با بروز بحران ارزی در سال ۷۳ در آمیخت، بحران اخیر که افزایش سریع قیمت نفت بعنوان فرآورده اصلی ارزی را منحصراً عمدتاً آن بود، سوده های شراری را بسوی انحصارات نفتی آمریکا سرازیر کرد و عملاً بحران انحصارات آلمانی و ژاپنی که از خریداران اصلی نفت محسوب می شدند، تمام شد. در نتیجه، بحران ارزی کمترین بحران آمریکا و بیشتر بحران آلمان و ژاپن منجر گردید. بحران ارزی، بحران پولی سرمایه داری را بیش از پیش تشدید کرد.

تزلزل در اقتصاد آمریکا بویژه از نیمه دوم دهه ۷۰ کاملاً آشکار شد. کالاهای آمریکا بی بسیاری از رشته ها قدرت رقابت با کالاهای ژاپنی و بازار مشترک، بویژه آلمان فدرال را از دست دادند. انحصارات ژاپنی در رشته های نظیر صنایع اتمی و موشکی سازی و تولید کالاهای الکتریکی و الکترونیکی که از قلمروهای حاکمیت بلامنارز انحصارات آمریکا بی شمار می رفتند، سرعت رشد کرده و نه تنها بر بازار جهانی بلکه بر بازار داخلی خود آمریکا نیز تسلط یافتند. مهمتراز همه آنکه، میلینتاریزه شدن همه جا نشانه اقتصاد آمریکا و افزایش غول آسای بودجه نظامی دولت آمریکا در این سالها، موجب تسریع کسری بودجه و عدم تعادل شدید در ترازیرداخت های خارجی و تضعیف بی سابقه درات این کشور گردید. به این ترتیب حجم عظیمی از دلار آمریکا بی بسوی بانک های اروپائی جاری و بیش از پیش سیاست های بانک جهانی بول برای مبارزه با بحران بی اثر شدند. بطوریکه از سال ۷۶ رسماً سیستم پولی "برتن وودز" جای خود را به روش تعیین ارزش بول و نرخ برابری ارزها در بازار آزاد جهانی داد. این تغییر و تحول بطور رسمی در توافق کنیزتن (یا توافق جا ما نیک) در سال ۷۸ کاملاً تثبیت شد. در این سال ارزش دلار در مقایسه با مارک و ین بشدت نزول کرد. گسترش بحران پولی سران کشورهای امپریالیستی را بر آن داشت تا بطور متوسط هر سال یکبار طی اجلاس هایی به بحث و بررسی و اتخاذ سیاست درقبال آن بپردازند.

در چند سال اخیر، گرایش عمومی در محافل سرمایه داری بسوی "ارزشناور" یعنی تعیین خود بخودی نرخ برابری ارزها در بازار آزاد منتهی با نظارت و کنترل دولت ها بوده است. لکن هیچیک از این تلاشها به ثمر نرسیده و بحران پولی سیستم سرمایه داری که بیشترین فشار آن (بصورت کاهش مداوم قدرت خرید و کاهش دستمزدها و قسسی و تشدید استعمار طبقه کارگر و تنزل سطح زندگی کارگران و زمینگشان) متوجه طبقات و اقشار استعمار رسیده در جوامع سرمایه داری است، بیش از پیش تشدید میگردد. زیرا این بحران ریشه در بحران اقتصادی سرمایه داری و تشدید تضادهای الیکارشی های مالی امپریالیستی دارد.

گرامی باد یاد رفیق یوبان



رفیق امیرورویوبان، اررهسبران و بناکنندگان سازمان حرکتی فدائی فلسطینی ایران، و از چهره های برجسته کمونیستی ایران است. کمبریسی است در ایران کدبانم و فعالیت های او انقلابی بزرگ آشنائی بداننده است. سرآغاز مبارزه مسلحانه حرکتی فدائی در اواخر سال ۴۹، رفیق یوبان جزو ۹ تنی بود که عکسهایشان توسط عوامل مزدور رژیم شاه سردر و دیوارشهرها آویخته و برای دستگیر شدن حاضرین گردیدند.

رفیق یوبان از همان سن کودکی به مبارزه سیاسی روی آورد و در ادامه فعالیت های همراه با رفیق سعید احمدزاده دست به تشکیل گروه مارکسیستی - لنینیستی زد که بعدها به گروه دروحدت با گروه ها شکل، حرکتی فدائی خلق را تشکیل داد. یوروسوی انقلابی و فعالیت فدائی کارهای رفیق یوبان در زندگی و فعالیت سیاسی او روزگاری به برجسته شخصیت او پیوسته است. مدافع انقلابی و عشق بی پایان او به طبعه کارگری و بوده های رحمتی، نمونه سازری اخلاقی کمونیستی در مبارزه برای سوسیالیسم و کمونیسم است.

ارزرا موسی بندنی او "مبارزه مسلحانه و رد بنوری بنا" کرده آموخته با فکرا "حق بود، ولی در آن سالهای رکود و سکون وی عقلی، با سراب عظمی، در اعلا، روح انقلابی روستگران مبارزه های کردار.

رفیق یوبان که در زندگی و فعالیت های خود را بطور عمده وقف فعالیت انقلابی و مبارزه های گروه مارکسیستی - لنینیستی نموده بود، لکن هر آنگاه که در خلال کارهای رسمی می یافت، به کار ادبی سر می برد. آثار ادبی که در زمینه نقد ادبی، ادبیات و ادبیات مکتوبه های برجسته ای از نقد مارکسیستی بخار می آمد.

رفیق یوبان معتمد بود که با لایسین همراه، همراه انقلاب کردن است، و در این هم رفیق یوبان استاد بود.

گرامی باد یاد شهدای

خرداد ماه

- * رفعت معماران بنام
- * سلیمان پیوسته حاجی محله
- * رحمت الله پیروندیزی
- * اسکندر مادی نژاد
- * مریم شاهی
- * نادر شایگان شام آسی
- * مینا طالب زاده شوشتی
- * بهروز دهقانی
- * حبیب برادران خسرو شاهی
- * ماریا کاظمی
- * منصور فرسا
- * مهدی پهلوان
- * حسن نیک داودی
- * علیرضا شهاب رضوی
- * خسرو ترکل
- * حسین سلاحی
- * علی رحیمی علی آبادی
- * حسین موسوی دوست موچائی
- * سعید معینی

بهر اسدن از عمل و ارتکاب استغناء، بررسی استغنائی سلاح عمل انقلابی از خصوصیات برجسته وی بود. او با دگرگانی و تحریف گری دشمنی آتشی با بدر داشت. او مدام سلاح عمل انقلابی حرکتی فدائی خلق را مورد بررسی قرار می داد و همیشه تاکید می کرد که بررسی استغنائی سلاح عمل انقلابی همواره در راه های جدیدی است. او موجد است. هر چند با دارا آثار مبارزه مسلحانه حرکتی بگردد و او با راه خود، اطلاعاتی در مورد "مبارزه مسلحانه و رد بنوری بنا" باشد مورد بررسی می شود. او با بررسی زندگی سربازان توسط مزدوران رژیم کسب می کند، می توانست با درس آموزی از تجارب مبارزه نظامی و سیاسی بنس برجسته ای در یکسال بنوری انقلابی در ایران است.

با دیوان برای همسر زنده است و الیام جن همای مارکسیست - لنینیستهای ایران در مبارزه برای کمونیسم خواهد بود.

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS
AGENCE GALAXIE-705
N°: 202815 R
M^m. REZAIE, N
PARIS - FRANCE

آدرس پستی:

M. BEZAIIE
B.P. NO. 270
75024 PARIS CEDEX 13
FRANCE

نگره ۲۷ و انتقاد از خود

بنده از منحد

تکامل سوسیالیسم انگار با بدراست، سرورس انسان جامعه کمونیستی یکی از اهداف عالی است بر بنیاد حرکت کمونیست با بدوروی است. اما با اصلی سوسیالیسم انار یوبان سرورس در جهت رسیدن به تکامل سوسیالیستی فادی در سوسیالیسم سوسیالیستی است. در کسرا از سوسیالیسم کنگره گفته است: "سنگین، سورج مواد غذائی، کیفیت برآورده های مصرفی، سطح حرکتی بزرگی مستقیم ترین تاثیرات را بر بنوع و روحیه افراد جامعه برای می بیند. در سوسیالیسم از این موضع است که ما باید به حل مجموعه مسائل مربوط به فعالیت آموزش ارتکاب های حزب، سوراها

و سایر سازمان های اجتماعی بدراست، اما این تاثیرات بطور ساده و یکجا بدست خراک "سه" کندی گرا شدن تکامل اقتصادی و اجتماعی هما بقدرت سخته استباهات مهم در بدراست اقتصادی بوده که در کارا با بدولتوزیک، (کراسن ساسی)

آموزش های بدولتوزیک و ارتقاء سطح تربیت ساسی اعضا سستی و فاداری بد اصول مارکسیسم - لنینیسم و با روح سوسیالیسم بیرونتری و فداکاری در راه سوسیالیستی نه تنها عامل مهمی در حرکت و تشدید فعالیت های حزب است بلکه زمینه را برای سکا مل دمکراسی درونی حزب و در نتیجه مبارزه همسند خانه غلبه سوسیالیسم و عناصر محافظه کار، بدست فراهم می کند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر